

ضرورت مشارکت در آموزش و پرورش: کاستی‌ها و راهکارها

دکتر نعمت‌الله متین^۱

چکیده

هدف این مقاله شناسایی کاستی‌ها و موانع مشارکت در درون و بیرون از آموزش و پرورش و ارائه پیشنهادهایی برای رفع این کاستی‌هاست. برای تدوین این مقاله مهم‌ترین پژوهش‌ها در حوزه مشارکت به‌خصوص مشارکت در آموزش و پرورش مطالعه شد. این مقاله برگرفته از پژوهشی با عنوان «راه‌های گسترش مشارکت مردم در آموزش و پرورش در سطح کشور» و به روش توصیفی و سندکاوی انجام شده است. در این پژوهش از ابزار مصاحبه سازمان‌یافته و روش نمونه‌گیری هدفمند استفاده شده است. همچنین از نتایج حاصل از مصاحبه ۲۶۳ نفر خیر مدرسه‌ساز در سراسر کشور در این خصوص استفاده به عمل آمده که همگی الهام‌بخش نگارنده در مورد تبیین موضوع بوده است. نتایج حاصل از بررسی‌ها نشان داد که کاستی‌های مشارکت به دو گروه، شامل کاستی‌های درونی و بیرونی آموزش و پرورش تقسیم می‌شوند. کاستی‌های درونی ناشی از عوامل انسانی، از جمله فعال نبودن مدیران و معلمان و دانش‌آموزان در امور مشارکت و نیز کاستی‌های ناشی از کارکردها و نگرش‌های مدیران ارشد آموزش و پرورش به مفهوم مشارکت است. نیز کاستی در ساختار تشکیلاتی و انجمن اولیا و مربیان و شوراهای آموزش و پرورش نیز در این خصوص تأثیرگذار است. همچنین کاستی‌هایی ناشی از عوامل بیرونی مؤثر در مشارکت وجود دارند که متأثر از عوامل اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی هستند. پژوهشگر ضمن معرفی کاستی‌های فوق برای رفع آنها، پیشنهادهایی را در این زمینه ارائه کرده است.

واژگان کلیدی: مشارکت، آموزش و پرورش، کاستی‌های مشارکت

۱. عضو هیئت علمی پژوهشگاه مطالعات آموزش و پرورش

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۲/۲/۳۰ پذیرش نهایی: ۱۳۹۳/۷/۲۲

بیان مسئله

مشارکت اجتماعی یکی از شرایط توسعه است (هوفستد، ۱۹۸۰؛ بارت و فرانک ۱۹۷۱)^۱. مشارکت یکی از مهارت‌هایی است که لازمه زندگی است. مشارکت باید از دوران کودکی در خانواده و شیوه‌های آموزشی اکتساب و تمرین شود تا بتوان از همان مهارت در دوره‌های پسین زندگی و در نقش‌های پدر، مادر، همچنین معلم و مدیر و... در زندگی فردی و اجتماعی بهره جست و جامعه را به سوی توسعه سوق داد. موضوع مشارکت و چگونگی تحقق آن، ریشه در تاریخ ملت‌ها دارد. آموزش و پرورش نیز به عنوان یک نهاد عظیم بر پایه مشارکت بنا نهاده شده است.

امروز این مفهوم اهمیت دوچندانی پیدا کرده است و مشارکت در عرصه‌های گوناگون همواره موضوع بحث بسیاری از اندیشه‌گران و دست‌اندرکاران به‌ویژه در زمینه مدیریت و آموزش و پرورش قرار گرفته است به‌گونه‌ای که به نظر برخی از اندیشه‌گران، محور اصلی توسعه بر پایه مشارکت و آموزش و پرورش استوار است. به باور این صاحب‌نظران، برای توسعه‌یافتگی ضرورت دارد همواره در سیاست‌گذاری‌های کلان اجتماعی و اقتصادی، دو عنصر آموزش و پرورش و مشارکت را تقویت کنیم (بخشی، ۱۳۷۵). از دیگر سو، برای پیشبرد آموزش و پرورش و کاستن از مسائل آن، ضمن توجه به راه‌های گوناگون رفع کاستی‌های آموزش و پرورش، ضروری است مشارکت مردم در این زمینه را مورد توجه ویژه‌ای قرار دهیم و به عنوان یک ضرورت، کاستی‌ها و تنگناهای مشارکت در آموزش و پرورش را شناسایی و برای رفع کاستی‌ها چاره‌جویی کنیم.

پژوهش‌های متعدد نشان می‌دهند که آموزش و پرورش با مشکلات جدی بسیار از جمله مشارکت مردمی روبه‌روست (قاسمی‌پویا، ۱۳۸۰). گرچه مشارکت مردم در آموزش و

1. Barette et al. 1971

پرورش به‌ویژه در یک دهه گذشته در مقایسه با دهه‌های قبل به نحو چشمگیری افزایش یافته است (جهانگرد، ۱۳۷۱)، اما هنوز تا رسیدن به اهداف، فاصله بسیار است. آسیب‌ها و کاستی‌های متعددی در زمینه مشارکت مردم در آموزش و پرورش وجود دارد. متین (۱۳۸۲)، با انجام پژوهشی با عنوان راه‌های جلب مشارکت مردم به مدرسه‌سازی نسبت به شناسایی کاستی‌ها و تنگناهای این گونه از مشارکت اقدام کرد و نتایج پژوهش را در اختیار سازمان نوسازی، توسعه و تجهیز مدارس کشور قرار داد تا از نتایج آن بهره‌مند شود. در فرایند انجام آن پژوهش و الهام‌گیری از مطالعات انجام‌شده در این راستا، به شناسایی سایر کاستی‌های مشارکت دست یافت که در یک تقسیم‌بندی می‌توان آنها را در ابعاد کاستی‌های درونی و بیرونی مشارکت در آموزش و پرورش نام‌گذاری کرد، که اینک حاصل آن در این مقاله در اختیار مخاطبان محترم قرار می‌گیرد.

سؤال‌های پژوهش

۱. کاستی‌ها و موانع مشارکت مردم در آموزش و پرورش کدام‌اند؟
۲. راه‌های رفع کاستی‌ها و موانع مشارکت کدام‌اند؟

مبانی نظری و پیشینه پژوهش

بنابر شواهد پژوهشی، یکی از مسائل مهم ما در امر مشارکت جنبه‌های نظری و اصول حاکم بر آن است (کسایی، ۱۳۷۴، قاسمی‌پویا، ۱۳۷۵). تا زمانی که در مفهوم و اصول و مبانی مشارکت دیدگاه‌های متناقض وجود داشته باشد، تحقق واقعی مشارکت مردم در امور آموزش و پرورش به دشواری امکان‌پذیر نخواهد بود.

از مشارکت تعاریف و تفسیرهای متعددی به عمل آمده است. به دلیل این گوناگونی بیان یک مفهوم که موردپسند و پذیرش همگان باشد کار ساده‌ای نیست. در تعریف مشارکت گفته‌اند، مشارکت امری از پیش مشخص شده نیست، بلکه باید ابعاد آن را خود ترسیم کنیم (دری نوگورانی، ۱۳۶۹). از بررسی تعاریف گوناگون این استنباط را می‌توان داشت که مشارکت نوعی سهم و دخیل شدن در تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی و اجراست. این تصمیم‌گیری معطوف به هدفی است که مشارکت‌کنندگان تمایل نشان می‌دهند برای تحقق هدف مشترک با دیگران به کنش متقابل یاری‌گرانه بپردازند. بنابراین اگر هدفی مشترک در میان نباشد یا دخیل و سهم شدن در تصمیم‌ها عملی نباشد، مشارکت مفهوم نخواهد داشت. مشارکت انواع گوناگونی دارد. یکی از آنها مشارکت یک‌بعدی است. در مشارکت یک‌بعدی، به‌ویژه در آموزش و پرورش، یک بعد از مشارکت مطرح است. نظیر مدرسه‌سازی توسط خیران مدرسه‌ساز یا کمک‌های مالی، در چنین مشارکتی بعد از انجام کمک، مشارکت پایان‌یافته تلقی می‌شود. این نوع مشارکت خودیاری یا عام است. در این نوع مشارکت، مشارکت‌کننده به‌صورت فرایندی در تصمیم‌گیری و سهم شدن در برنامه‌ریزی و اجرا و آموزش دخالت چندانی ندارد.

نوع دیگر مشارکت، مشارکت چندبعدی است که مشارکت‌کنندگان در ابعاد و عرصه‌های گوناگون مادی، مالی و فکری مشارکت دارند. مشارکت‌کنندگان در فرایند تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی و اجرا و به‌طور کلی در فرایند آموزشی و پرورشی مشارکت می‌کنند. در این نوع مشارکت، آگاهی و شناخت بنیاد مشارکت را تشکیل می‌دهد. از مصداق‌های مشارکت چندبعدی در آموزش و پرورش، می‌توان به فعالیت‌هایی، از جمله مشارکت در انتخاب مدیران مدرسه، مشارکت در شوراهای مدرسه، مشارکت در تصمیم‌گیری‌های آموزشی و مشارکت در رفع کاستی‌های گوناگون مدرسه اشاره کرد.

کارشناسان سازمان ملل متحد، مشارکت را این گونه تعریف کرده‌اند: «دخالت و درگیر شدن مردم در فراگردهای اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی که بر سرنوشت آنان اثر می‌گذارد» (طوسی، ۱۳۷۹).

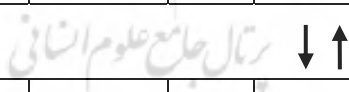
ساروخانی (۱۳۷۰) در دایره المعارف علوم اجتماعی، توضیح داده است که فلاسفه اسلامی از جمله امام محمد غزالی (۴۵۰-۵۰۵) منشأ تعاون را ضرورت زندگی آدمی دانسته است: «آدمی چنان آفریده شده است که تنها نزید...، پس تنها زیستن آدمی ممتنع شد و حاجت رفتار به اجتماعات. پس اگر جمعیت در صحرائی مکشوف باشند، از گرما و سرما و دزدان رنج ببیند، پس محتاج شدند به بناهای محکم و منزل‌هایی که اهل هر خانه بدان و بدانچه آلاتومتاع دارد، منفرد باشد، و منزل‌ها گرما و سرما را دفع کنند و همسایگان را از دزدی دفع کند، ولیکن دزدان بیرون قصد همه منزل‌ها کنند، پس اهل منزل‌ها محتاج شوند بدانچه یکدیگر را یاری دهند و معونت کنند، و باریه‌ای سازند که محیط باشد همه منزل‌ها را و بدان تحصن کنند. (فرهادی، ۱۳۷۳). برخی از فلاسفه اسلامی برای مشارکت با افراد زن و مرد حدود و محدودیت‌هایی را روا دانسته‌اند؛ برای نمونه خواجه نصیرالدین طوسی، در باب «سیاست و تدابیر اهل» ضمن بحث درباره زنان و نحوه رفتار با آنان آورده است که مرد «در مصالح کلی با زن مشارکت نکند، و البته او را بر اسرار تمیز ایشان در این باب مستدعی آفات بسیار بود» (طوسی، ۱۳۷۹: ۲۱۹، به نقل از قدیانی، ۱۳۸۶).

نهادهای آموزشی سنتی و جدید کشورها در اغلب موارد با مشارکت مردم، به شکل‌های گوناگون آغاز به فعالیت کرده‌اند. بررسی اجمالی تاریخ آموزش و پرورش ایران نشان می‌دهد که اکثر نهادهای آموزشی سنتی و حتی امروزی با مشارکت مردم به‌ویژه علاقه‌مندان به گسترش فرهنگ و تعلیم و تربیت بنا نهاده شده‌اند (کسائی، ۱۳۷۴). سیر تاریخی مشارکت مردم ایران در امور آموزش و پرورش دارای نشیب و فرازهای بسیار

است. در مجموع، در کل فرایند تاریخی آموزش و پرورش معاصر وجهه دولتی بودن تعلیم و تربیت مسلط بوده است. در حال حاضر، نهادها و ارگان‌های دست‌اندرکار مشارکت در آموزش و پرورش متنوع هستند. از میان آنها می‌توان به ارگان‌های زیر اشاره کرد: شورای عالی آموزش و پرورش، انجمن اولیا و مربیان، اتحادیه انجمن‌های اسلامی دانش‌آموزان، گروه‌های آموزشی، سازمان جوانان هلال‌احمر، تشکیلات دانش‌آموزان پیش‌تازان و فرزنانگان، شوراهای دانش‌آموزان، مدارس غیرانتفاعی، وقف و خیرین مدرسه‌ساز.

به طور کلی، نحوه عملی شدن مشارکت از جمله مشارکت در آموزش و پرورش به عواملی چند به منزله مبانی مشارکت بستگی دارد. آمیزه‌ای از این مبانی نظری که خود به صورت یک نظام پیچیده و درهم‌تنیده عمل می‌کند، رویکرد یک نظام را نسبت به موضوع مشارکت تعیین می‌کند. ارتباط مبانی مشارکتی انواع مشارکت‌مردم در آموزش و پرورش را می‌توان به صورت زیر نشان داد، که مجموعه این عوامل مؤثر و نحوه کنش و واکنش آنها نسبت به یکدیگر فرهنگ مشارکت را تشکیل می‌دهد (قاسمی‌پویا، ۱۳۸۰).

انواع مشارکت	وقف	کمک‌های خیرین مدرسه‌ساز	شوراها	انجمن اولیا و مربیان	تشکل‌ها	مشارکت سازمان‌ها	انواع مدارس
--------------	-----	-------------------------	--------	----------------------	---------	------------------	-------------



مبانی مشارکت	فرهنگی	روانشناختی	مدیریتی	اجتماعی	اقتصادی	فلسفی و دینی
--------------	--------	------------	---------	---------	---------	--------------

پژوهش‌های متعدد که یافته‌های آنها در پی خواهد آمد، نشان می‌دهد که آموزش و پرورش با مشکلات جدی بسیار از جمله مشکل مشارکت روبه‌روست. یافته‌های مطالعات متعدد حاکی از آن است که مشارکت سبب افزایش کارایی و انگیزه در سازمان‌ها می‌شود. اگرچه مشارکت مردم در آموزش و پرورش به‌ویژه در دهه گذشته در مقایسه با دهه‌های قبل به نحوی بارز و چشمگیر افزایش یافته است (جهانگرد، ۱۳۷۱)، هنوز تا رسیدن به اهداف مشارکت فاصله بسیار است. آسیب‌ها و کاستی‌های متعدد در زمینه مشارکت‌های مردم در آموزش و پرورش وجود دارد (قاسمی‌پویا، ۱۳۸۰).

در سال ۱۳۷۵، پژوهشی در زمینه بررسی راه‌های مناسب جلب مشارکت مردمی در آموزش و پرورش در آذربایجان غربی صورت گرفته که به متغیرهایی مانند مشارکت مردم در آموزش و پرورش، میزان آگاهی‌های آنها و رابطه میان سطح سواد و میزان مشارکت پرداخته است. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که بیش از یک‌سوم مخاطبان نسبت به عملکرد عوامل اجرایی آموزش و پرورش در زمینه مشارکت نظر مثبت دارند. اکثر مخاطبان اظهار داشته‌اند که علاقه‌مند به مشارکت در امور گوناگون آموزش و پرورش هستند. پژوهشی دیگر در استان مرکزی در زمینه رابطه میان وجود نیکوکاران و سطح فرهنگ هر منطقه در آموزش و پرورش استان انجام گرفته است (بخشی، ۱۳۷۵). جامعه آماری این مطالعه همه خیران مشارکت‌کننده در آموزش و پرورش بوده است. نتایج پژوهش حاکی از آن است که میان شمار افراد نیکوکار در هر منطقه و سطح فرهنگ آن منطقه رابطه مثبت وجود دارد. در استان مرکزی پژوهشی در مورد تأثیر آموزش و پرورش و مشارکت اولیا بر رشد اجتماعی و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان انجام شده است. نتایج به‌دست‌آمده نشان می‌دهد که چنانچه اولیای دانش‌آموزان با راهکارهای مشارکتی آشنا شوند، در رفتار آنها نسبت به فرزندانشان تأثیر خواهد داشت.

در استان مرکزی پژوهشی دیگر در مورد شیوه‌های مؤثر مشارکت‌های مردمی در آموزش و پرورش انجام شده است (پرویزیان، ۱۳۸۰). در این پژوهش، سودمندی هر یک از شیوه‌های مشارکت مردمی در آموزش و پرورش بررسی و پیامدهای آنها مقایسه و شیوه مشارکت بهینه اعلام شده است. از نظر مدرسه‌سازان در این پژوهش شیوه برتر را فعالیت‌های انجمن خیران مدرسه‌ساز اعلام کرده که طیف این مشارکت در سطح کشور در حال افزایش است. پژوهشی دیگر در استان همدان در زمینه راه‌های جلب مشارکت‌های مردمی در آموزش و پرورش انجام شده است. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که با افزایش تحصیلات در نیکوکاران، میزان مشارکت آنها افزایش می‌یابد (چهاردولی، ۱۳۷۸).

در کانون پژوهشی منطقه یک کشوری، پژوهشی به منظور بررسی توسعه فرهنگ مشارکت‌های مردمی در آموزش و پرورش انجام شده (تقواطلب، ۱۳۷۴) که قلمرو این پژوهش شش استان شمال غرب کشور است. نتایج پژوهش حکایت از وجود تفاوت میان میزان مشارکت اولیا و معلمان در استان‌های مورد مطالعه دارد. مقاله‌ای نیز با عنوان «موانع و راه‌های توسعه مشارکت مردم در آموزش و پرورش» تدوین شده است (قاسمی‌پویا، ۱۳۷۸). در این مقاله به کاستی‌های درونی و بیرونی آموزش و پرورش اشاره شده و کاستی‌های ناشی از گوناگونی مدارس و انجمن اولیا و مربیان، شوراهای آموزش و پرورش و جلب مشارکت و تقویت خیران به‌منزله یکی از کاستی‌های درونی آموزش و پرورش معرفی شده است. پژوهشی دیگر با عنوان ارزیابی جایگاه سازمانی مشارکت مردمی در ساختار آموزش و پرورش در استان فارس انجام شده است (ایمان، ۱۳۸۰). پژوهشگر این پژوهش روش‌های جلب مشارکت‌های خیران مدرسه‌ساز و موانع و مشکلات بر سر راه مشارکت‌ها را معرفی کرده است.

باتوجه به مبانی نظری و پژوهش‌های صورت‌گرفته و سندکاو‌های انجام‌شده در باره مشارکت و مشارکت‌های مردم در آموزش و پرورش ایران و جهان، به این نکته اساسی پی می‌بریم که مشارکت در همه جوامع از اهمیت فوق‌العاده برخوردار است، اما متأسفانه در ایران مشارکت‌های مردمی در حد انتظار نیست. بنابراین، ضروری است ضمن جلب مشارکت‌ها، زمینه‌های توسعه آن را فراهم آوریم. همچنین مشارکت در آموزش و پرورش ایران نیازمند توجه جدی‌تری است.

روش پژوهش

در این پژوهش، از روش تحقیق کمی استفاده شده است. ابزار پژوهش مصاحبه سازمان‌یافته است و نمونه‌گیری به صورت هدفمند انجام شده است. پژوهشگر پس از شناسایی ۲۶۳ تن از مشارکت‌طلبان (خیران مدرسه‌ساز) در سراسر کشور با آنها مصاحبه سازمان‌یافته به عمل آورده است.

برای تهیه فرم مصاحبه ابتدا با شماری از افراد نمونه، مصاحبه به عمل آمد. سپس بر اساس موارد مطرح‌شده، فهرستی از گویه‌ها تهیه و در قالب یک الگو متناسب با پرسش‌های تحقیق سامان داده شد. پس از آن با افراد نمونه مصاحبه به عمل آمد، به نحوی که هر یک از آنها می‌بایست در پاسخ به هر پرسش مهم‌ترین گزینه را انتخاب کند. پس از آن پاسخ یکایک پرسش‌های مصاحبه مورد مطالعه قرار گرفت و براساس پاسخ داده شده به هر یک از پرسش‌ها فراوانی آنها محاسبه و در پایان با تبدیل فراوانی‌ها به درصد، اطلاعات تجزیه و تحلیل شد.

یافته‌های پژوهش

آموزش و پرورش به منزله نهادی اجتماعی نقش کلیدی و اساسی در تربیت نیروی انسانی جامعه برعهده دارد. توجه به این نهاد مهم آموزشی و جلب مشارکت مردم در

افزایش کارآیی آن بسیار مهم است. اگرچه، میزان مشارکت مردم در این نهاد رو به فزونی بوده، مشارکت آن‌گونه که باید، ظرفیت‌سازی نشده است. جهت پی بردن به‌کاستی‌ها و جلب بیشتر مشارکت‌ها، در این تحقیق به نظرخواهی از افراد مستعد و مشارکت طلب در سطح کشور پرداخته شده است که اطلاعات حاصل از آن در جداول زیر ارائه می‌شود.

جدول ۱. توزیع فراوانی افراد مصاحبه‌شده بر حسب جنس

جنس	زن	مرد	جمع
فراوانی	۸۱	۱۸۲	۲۶۳
درصد	۳۰/۸	۶۹/۲	۱۰۰

همان‌طور که جدول ۱ نشان می‌دهد، ۳۰/۸ درصد از مصاحبه‌شوندگان زن و ۶۹/۲ درصد بقیه مرد هستند که در استان‌های متفاوت کشور شناسایی و با آنها مصاحبه شده است.

جدول ۲. کاستی‌های مشارکت در آموزش و پرورش از دیدگاه

خیران مدرسه‌ساز

ردیف	پاسخ خیران	فراوانی	درصد
۱	همکاری ناکافی مسئولان آموزش و پرورش و سایر ادارات با خیران مدرسه‌ساز	۸۴	۳۱/۹
۲	تبلیغات، اطلاع‌رسانی و فرهنگ‌سازی ناکافی برای جلب مشارکت مردمی	۶۰	۲۲/۸
۳	ناهماهنگی مسئولان در جلب و جذب مشارکت‌های مردمی	۲۸	۱۰/۶
۴	طولانی بودن گردش کار اداری و تشریفات زاید و وقت‌گیر برای جذب مشارکت‌های مردمی	۲۸	۹/۵
۵	نبود برنامه‌ریزی منظم و تشکیلاتی در جلب و جذب مشارکت‌های مردمی	۱۸	۶/۸
۶	اختصاص‌نیافتن به‌موقع سهم دولت در احداث پروژه‌های مدرسه‌سازی و کمبود بودجه‌های دولتی	۱۵	۵/۷
۷	کم‌اعتمادی مردم به مسئولان امر مدرسه‌سازی	۱۱	۴/۱
۸	غفلت از مشارکت به واسطه پشت‌گرمی مردم به اعتبارات دولتی و آموزش رایگان	۱۰	۳/۸
۹	تشویق و قدردانی ناکافی مسئولان و نظام اداری از خیران مدرسه‌ساز	۴	۱/۵
۱۰	تمرکز در نظام اداری و تفویض‌نکردن اختیار به استان‌ها برای جلب مشارکت‌های مردمی	۴	۱/۵
۱۱	کم‌توجهی به ابعاد عاطفی و انگیزشی مشارکت‌کنندگان	۴	۱/۵

همان‌گونه که جدول فوق نشان می‌دهد، مخاطبان کاستی‌های مشارکت در آموزش و پرورش را مشخص کرده‌اند. در میان آنها، همکاری ناکافی مسئولان آموزش و پرورش و سایر ادارات خارج از آموزش و پرورش با مشارکت‌کنندگان، بالاترین اولویت را به خود اختصاص داده و سپس سایر کاستی‌ها، از جمله ناهماهنگی مسئولان در جلب مشارکت‌ها، نبود برنامه‌ریزی منظم و تشکیلاتی در جلب مشارکت‌ها، کم‌اعتمادی مردم به مسئولان در

امر مدرسه‌سازی، تمرکز در نظام اداری و... مطرح شده که همگی مربوط به کاستی‌های درون و بیرون آموزش و پرورش است. به استناد سایر سندکاو‌ها و اظهارات خیران مدرسه‌ساز در جدول فوق، تنگناها و کاستی‌های مشارکت در آموزش و پرورش را می‌توان به دو گروه تقسیم‌بندی کرد که عبارت‌اند از: ۱) کاستی‌های درونی آموزش و پرورش، ۲) کاستی‌های برونی آموزش و پرورش.

۱. کاستی‌های مشارکت ناشی از عوامل انسانی

در تجزیه و تحلیل کاستی‌های درونی آموزش و پرورش می‌توان به مسائلی پرداخت که در حال حاضر در درون دستگاه آموزش و پرورش وجود دارد. کاستی‌های مشارکت ناشی از عوامل انسانی را می‌توان به کاستی مشارکت مدیران، کاستی‌های ناشی از فعالیت نکردن معلمان در امور مشارکت و کاستی‌های ناشی از فعال نبودن دانش‌آموزان در امور مشارکت نام‌گذاری کرد. این مسائل را می‌توان تحت عنوان‌های زیر بررسی کرد:

۱-۱) ضعف مدیران در تفکر و برنامه‌ریزی‌های مشارکتی

در یک نظرسنجی از ۱۵۷ نفر در خصوص فعال بودن مدیران در جلب مشارکت‌ها، مشخص شد که همه مدیران در جلب مشارکت‌های مردم فعال نیستند (قاسمی‌پویا، ۱۳۸۰). بیشتر مدیران به دلیل نداشتن روحیه مدیریت مشارکتی قادر به برقراری ارتباط با والدین، نهادها، خیران مدرسه‌ساز، معلمان و دانش‌آموزان نیستند. می‌توان اذعان کرد در بعضی از مدیران کمبود و نبود بینش علمی وجود دارد، عموماً از مفهوم مشارکت و ابعاد آن آگاهی ندارند. بیشتر مدیران آموزش لازم را ندیده و برداشت آنها از مفهوم مشارکت در سطوح

مختلف آموزش و پرورش با یکدیگر متفاوت است. از دیگر کاستی‌ها می‌توان به نگرش مدیران سطوح بالا اشاره کرد که یکی از دلایل این نگرش، متمرکز بودن نظام آموزشی است.

پژوهشی که در سال ۱۳۷۰، از سوی معاونت متوسطه وزارت آموزش و پرورش در سراسر کشور انجام شده است، نشان‌گر کاستی مدیران در جلب مشارکت‌هاست. (میرکمالی، ۱۳۷۶)، (نامی ۱۳۷۳) و (سبحانی، ۱۳۷۲) نیز در پژوهش‌های خود نشان داده‌اند که مدیریت‌ها در ارتباط با جلب مشارکت مردم در زمینه‌های ارتباط با مردم، نگرش، مهارت‌ها، انگیزش‌های مدیریتی دارای کاستی هستند. ضروری است مدیران با برقراری ارتباط با اولیای دانش‌آموزان، نهادهای خیریه و سازمان‌های مؤثر در مشارکت و آموزش دیدن مهارت‌های برقراری ارتباط به مشارکت مردم آموزش و پرورش بیفزایند. مدیران باید از انگیزه کافی و خطرپذیری برخوردار باشند و از قدرت خلاقیت خود استفاده کنند. بیشتر مدیران آموزش و پرورش آموزش لازم برای مدیریت اثربخش و جلب مشارکت مردم را ندیده‌اند، از مفهوم مشارکت و ابعاد آن آگاهی ندارند و برداشت آنها از مفهوم مشارکت در سطوح مختلف ناکافی است.

علاقه‌بند (۱۳۷۴) در پژوهشی که ویژگی‌های رفتاری مدیر اثربخش را ارزیابی کرده رفتار مشارکت‌جویانه مدیر را از جمله رفتارهای مدیر «اثربخش» دانسته است. پژوهش دیگر نشان می‌دهد که مدیریت مشارکت‌جویانه به انگیزش گروه‌های غیررسمی تأثیر مثبت دارد (نامی، ۱۳۷۳). نتیجه اینکه مدیریت‌ها در ارتباط با مشارکت مردم در زمینه‌های ارتباط با مردم، دانش، آگاهی، نگرش،

شخصیت و مهارت مدیران، آموزش مدیران، سابقه خدمت، عدم تثبیت، ناآگاهی از مفهوم مشارکت و اقدام مشارکت‌جویانه دارای مشکل هستند.

۱-۲) کاستی‌های ناشی از فعال نبودن معلمان در امور مشارکت

معلمان نقش ارزنده‌ای در جلب و گسترش مشارکت دارند و می‌توانند بیش از اینها کوشش کنند. نتایج پژوهش‌ها گواه آن است که معلمان به دلایلی، از جمله ناآگاهی از مفهوم و اهمیت مشارکت و نداشتن انگیزه کافی به‌علت مشکلات مختلف اقتصادی، در جنبه‌های مشارکتی از خود رغبت نشان نمی‌دهند. خرم‌ورز (۱۳۷۹) و کارگزاری (۱۳۷۶) معتقد هستند کارکردهای آموزش و پرورش به‌گونه‌ای است که در معلمان علاقه‌ای برای مشارکت ایجاد نمی‌کنند و معلمان تنها تدریس را وظیفه خود می‌دانند. قاسمی‌پویا (۱۳۸۰) در یک نظرسنجی در خصوص فعال بودن یا نبودن معلمان در جلب مشارکت‌ها به این نتیجه می‌رسد که معلمان در عرصه مشارکت فعال نیستند. با توجه به اینکه مشارکت در امور آموزش و پرورش به انگیزه و آگاهی و دانش و اطلاع از مبانی نظری مشارکت نیاز دارد، لذا معلمان با انگیزه کم نمی‌توانند در تشویق دیگران مؤثر باشند. لازم است به معلمان آموزش مشارکت ارائه شود. آنان را در جلسات مختلف از جمله جلسات انجمن اولیا مشارکت دهند. خرم‌ورز (۱۳۷۹) بر آموزش ضمن خدمت برای معلمان در زمینه آموزش مشارکت و فعال کردن مشارکت معلمان در شوراهای تأکید و اضافه می‌کند مدیر مشارکت‌جو، موجب تقویت مشارکت‌طلبی در میان معلمان می‌شود.

۳-۱) کاستی‌های ناشی از فعال نبودن دانش‌آموزان در امور مشارکت

نتایج پژوهش‌ها نشان می‌دهد که مدارس نتوانسته‌اند دانش‌آموزان را در امور مشارکت مدرسه و آماده شدن آنها جهت ورود به جامعه، آماده کنند (قاسمی پویا، ۱۳۸۰؛ سعیدی، ۱۳۷۹؛ مقنی‌زاده، ۱۳۸۰؛ کارگزاری، ۱۳۷۶). پژوهشگران بر ضرورت مشارکت دانش‌آموزان در امور مدرسه تأکید کرده و نقش خانواده را قبل از مدرسه در ایجاد روحیه مشارکت‌جویی بسیار مهم معرفی کرده‌اند. چنانچه دانش‌آموزان در امور مدرسه مشارکت کنند، با مدرسه و مسائل آن آشنا می‌شوند و در حل و کاهش مسائل آن همکاری می‌کنند. در پاسخ یک نظرسنجی مربوط به ضرورت و تأثیر مشارکت دانش‌آموزان در مدرسه مشخص شد، در صورت مشارکت آنان در امور مدرسه، هزینه‌ها کاهش می‌یابد.

هادی‌زاده (۱۳۷۹) یکی از راه‌های فعال کردن مشارکت دانش‌آموزان در امور اجتماعی را مشارکت دادن آنان در دوران مدرسه می‌داند. بنابراین، ضروری است آموزش و پرورش با تهیه و اجرای برنامه‌های مناسب از حداکثر ظرفیت دانش‌آموزان برای مشارکت آنان در مدرسه و جامعه استفاده کند.

۴-۱) کاستی‌های ناشی از کارکردهای درونی و نگرش‌های مدیران ارشد آموزش و پرورش به مفهوم مشارکت:

هرگونه کمبود در دانش، بینش و انگیزش مدیران و کارکنان و مسئولان برای مشارکت، اجرای برنامه‌های مشارکت‌طلبانه را با شکست مواجه می‌سازد. پژوهش‌ها نشان می‌دهند که میزان علاقه‌مندی مردم به مشارکت بستگی به کارکردهای آموزش و پرورش دارد. زمانی که احساس کنند هدف و محتوای آموزشی از کیفیت بالا برخوردار است، به همکاری و مشارکت علاقه بیشتری از

خود نشان می‌دهند(قاسمی‌پویا، ۱۳۸۰). نتایج تحقیقات متعدد در مورد وضعیت آموزش و پرورش ایران نشان می‌دهد که آموزش و پرورش به اهداف خود نرسیده است؛ زیرا با افت تحصیلی، پایین بودن سطح مهارت دانش‌آموزان و همچنین پایین بودن سطح دانش، نگرش، انگیزش و توانایی کارکنان مواجه است (ساک، ۱۳۷۴؛ نامی، ۱۳۷۳). بنابراین، ضروری است به افزایش کیفیت آموزش و بهبود آن از طریق کیفیت‌بخشی به برنامه‌ها ادامه داد و از روش‌های جذب و آموزش کارکنان دارای استعداد و توان مناسب و ایجاد انگیزش در آنها و تغییر و نوآوری در برنامه‌های آموزش نسبت به ارتقای کیفیت آموزشی اقدام کرد. بهبود روش‌های آموزش و روش‌های مدیریت، فراهم آوردن امکانات و تجهیزات آموزشی مناسب، به‌کارگیری معلمان باتجربه، می‌تواند در این زمینه مناسب باشد. از طرف دیگر، چنانچه در نگرش مسئولان در خصوص شیوه مدیریت منابع و برنامه‌های آموزش و پرورش تغییر به عمل آید، جنبه‌های مشارکت بیشتر فراهم می‌شود. گاهی نظریه‌ها و دیدگاه‌ها نسبت به اصل مشارکت متناقض است، که باید در آموزش و پرورش وحدت‌نظر وجود داشته باشد. در مورد هدف مشارکت و نحوه برخورد با نظر و انتظارات مردم نیز وحدت‌نظر وجود ندارد که در این خصوص نیز باید نگرش‌ها تغییر کنند. به نظر می‌رسد در زمینه مشارکت و نهادینه کردن آن در آموزش و پرورش برنامه‌ریزی دقیقی انجام نشده است. تصمیمات غالباً مقطعی و مبتنی بر نیازهای کوتاه‌مدت است؛ برای نمونه با وجود گذشت سال‌ها از تصویب قانون شوراها در سال ۱۳۷۴، به نظر می‌رسد هنوز کارکرد مناسبی در این شورا وجود ندارد.

۵-۱) کاستی ناشی از انجمن اولیا و مربیان و شوراهای آموزش و پرورش به

عنوان کانون‌های مهم مشارکت

یکی از ارکان مهم و کلیدی و حساس که می‌توان در راستای مشارکت مردم در آموزش و پرورش مؤثر واقع شود، انجمن‌ها هستند. می‌توان با واگذاری بخشی از اختیارات مدرسه به آنها، مشارکت آنان را تقویت کرد. با توجه به اینکه ارتباطات انسانی به‌خصوص مدیران کمتر از حد انتظار است، ضروری است ضمن انتخاب مدیران مشارکت‌جو و آموزش مدیران، برای خانواده‌ها نیز آموزش ویژه‌ارائه و از آنها در این زمینه پشتیبانی کرد.

به نظر می‌رسد در موارد بسیاری انجمن‌ها به‌صورت صوری تشکیل می‌شوند. لازم است در این خصوص ملاحظات لازم به عمل آید و اصل مدرسه‌محوری که در آن اولیا نقش مهم ایفا می‌کنند، مد نظر قرار گیرد. اگر انجمن‌ها از حالت انفعالی خارج شوند و به تقاضای خانواده در امر مشارکت و آموزش توجه ویژه‌ای به عمل آید، مشارکت دوچندان می‌شود؛ در عین حال به نظر می‌رسد به اجرای صحیح دستورالعمل‌ها و آیین‌نامه‌ها و تغییر و تحول آنها توجه چندانی نمی‌شود. از تخصص‌ها و مشارکت همه‌جانبه اولیا، به طور مناسب استفاده نمی‌شود و آموزش‌های لازم را در این زمینه‌ها بدانها ارائه نمی‌کنند.

انتشار جزوه‌های آموزشی، آموزش و آگاه‌سازی، بارور کردن جلسات، مشارکت دادن اولیا در امور جاری مدرسه، بسیار مؤثر است. در این امر معلم، دانش‌آموز و مدیر مدرسه می‌تواند نقش فعالی را ایفا کند. دفتر متوسطه وزارت آموزش و پرورش (۱۳۸۰) و کارگزاری (۱۳۸۱) در این خصوص رهنمودهای فوق را ارائه کرده‌اند. پژوهش‌های متعددی از جمله تاج‌بخش (۱۳۷۴) به ما نشان می‌دهد که

عوامل عمده در پیشبرد اهداف خانه و مدرسه عبارت‌اند از: ویژگی‌های مدیران و کارکنان مدرسه، معلمان و نگرش و دانش و مهارت آنان در آموزش و ایجاد ارتباط و دانش، نگرش و آگاهی والدین که باید برای هر یک از موارد فوق، برنامه‌ریزی شود.

۶-۱) کاستی در شوراهای آموزش و پرورش

تشکیل شوراهای آموزش و پرورش، ترکیبی از سیاست‌گذاران در خارج و داخل آموزش و پرورش است و به نظر می‌رسد مهم‌ترین نهاد مشارکتی آموزش و پرورش شوراهای هستند. اهداف پیش‌بینی‌شده این شوراهای، جلب مشارکت‌های مردمی، تمرکززدایی، تأمین منابع جدید و رفع تنگناهای مالی، ایجاد نظارت عمومی بر آموزش و پرورش است. به‌رغم گذشت حدود دوازده سال از تصویب قانون این شوراهای، اما از تبعات متمرکز بودن تصمیم‌گیری‌های کلان و حتی خرد در رنج است. عوامل درونی و بیرونی در تحقق نیافتن اهداف شوراهای مؤثر بوده است. اول اینکه در سطح کشور نظام و ساختار تصمیم‌گیری متمرکز است و نیز این تمرکز در آموزش و پرورش هم ملاحظه می‌شود. ساختار اجتماعی شوراهای تفویض اختیار شوراهای، ساختار و تشکیلات شوراهای، هر یک به نوبه خود دارای اشکالات اساسی هستند. از طرف دیگر، در آیین‌نامه‌ها و مقررات این شوراهای نیز اشکالات خاصی وجود دارد که مانع از رسیدن به اهداف شوراهای است. قاسمی‌پویا (۱۳۸۰) اشاره می‌کند، اظهار نظر نسبت به عملکرد شوراهای به‌علت سابقه کم فعالیت آنها واقع‌بینانه نیست.

۷-۱) کاستی‌های ناشی از ساختار آموزش و پرورش

ساختار آموزش و پرورش قادر نیست تا بتواند زمینه‌های مشارکت وسیع مردم در آموزش و پرورش را فراهم کند. زمانی مشارکت مردم در آموزش و پرورش محقق می‌شود که کارکردها و ساختار آموزش و پرورش به صورت ویژه توانایی این کار را داشته باشد. بررسی روند اصلاحات ساختاری و تشکیلات در نظام آموزشی کشور طی سه دهه اخیر نشان می‌دهد که همواره مسئله مشارکت نکردن آحاد مردم در آموزش و پرورش، مورد توجه بوده؛ زیرا بحث در خصوص مدرسه محوری و تشکیل شوراهای از این جنبه مطرح شده است. بررسی روند تغییر ساختار در آموزش و پرورش (صافی، ۱۳۷۹)، مطالعه دشواری‌های ساختار و تشکیلات آموزش و پرورش (ساکي، ۱۳۷۹)، اصلاحات در آموزش و پرورش (رضایی، ۱۳۸۱) اشاره می‌کنند که جلب مشارکت‌های افراد ذی‌نفع، ذی‌نفع و ذی‌علاقه در اجرای برنامه‌های آموزش و پرورش ضروری است. متمرکز بودن تشکیلات و ساختار آموزش و پرورش و عملکرد ناشی از آنها باعث تصمیم‌گیری در سطوح بالا می‌شود و سطوح پایین را با موانع مشارکت روبه‌رو می‌کند. بنابراین، نظام آموزشی به گونه‌ای نیست که قادر به پذیرش پیشنهادها باشد. شاید یکی از دلایل مهم موفقیت شوراهای در آموزش و پرورش، متمرکز بودن ساختار و تصمیم‌گیری‌هاست. کاستی‌های ناشی از آیین‌نامه‌ها و مقررات نیز که جمله دست‌وپاگیر هستند، می‌توانند جنبه‌های مشارکت را کاهش دهند و لازم است در این خصوص نسبت به ایجاد انعطاف در ساختار آموزش و پرورش توجه کافی مبذول شود. تمرکز ساختاری باعث شده است که نهادها و سازمان‌های آموزش و پرورش قادر به ایجاد ارتباط با خانواده‌ها و نهادها و

سازمان‌های بیرونی نباشند و چنانچه نظام آموزش و پرورش به صورت یک نظام باز مورد نظر قرار گیرد، مشکلات کاهش خواهد یافت.

خیران مدرسه‌ساز به ناتوانی تشکیلات اداری و پیچیدگی بروکراسی در جلب مشارکت‌کننده‌ی مدرسه‌سازی اشاره کردند (متین، ۱۳۸۲) که این خود نشان‌دهنده‌ی تمرکز در ساختار آموزش و پرورش است. بنابراین، مردم زمانی به مشارکت روی می‌آورند که سدهای اداری از سر راه برداشته شود و تشکیلات اداری انعطاف‌پذیر و آگاهی به نقش مردم در مشارکت مورد نظر باشد.

۲) کاستی‌های ناشی از عوامل برونی مؤثر در مشارکت مردم

به نظر می‌رسد علاوه بر عوامل درونی آموزش و پرورش که باعث عدم جلب مشارکت مردم در آموزش و پرورش می‌شود، عوامل بیرونی متعددی نیز وجود دارد که در عملکرد و فعالیت‌های آن مؤثر است. بنابراین، کیفیت و کارایی آموزش و پرورش تحت تأثیر عوامل بیرونی مشارکت نیز هست، که از جمله می‌توان به کاستی‌های ناشی از عوامل اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی اشاره کرد.

۲-۱) کاستی‌های ناشی از عوامل اجتماعی

بدون فراهم بودن زمینه‌های اجتماعی، فرهنگی مشارکت، این امر ممکن نیست. مردمی که در فعالیت‌های اجتماعی شرکت فعال ندارند، نیز در امور آموزش و پرورش مشارکت نمی‌کنند. اصولاً مشارکت در آموزش و پرورش یک امر فرهنگی است. به دلیل اینکه مشارکت‌های فرهنگی ما محدود و اندک است، بنابراین مشارکت در آموزش و پرورش نیز به اندازه کافی وجود ندارد.

گروه‌های مختلف اجتماعی برداشت‌های درستی از مشارکت ندارند، فرهادی (۱۳۷۳) در پژوهش خود متذکر می‌شود فرهنگ مشارکت در میان مردم ایران ریشه تاریخی دارد و بر این مطلب، علاقه‌بند (۱۳۷۴) نیز تأکید کرده‌است.

۲-۲) کاستی‌های ناشی از عوامل فرهنگی

ولی بعضی از صاحب‌نظران بر این باورند امروزه در دنیا و ایران مفهوم مشارکت متحول شده است و این تحول در فرهنگ ما بسیار ضعیف و کم‌رنگ است. مشارکت و ضرورت آن در دست‌اندرکاران و سیاست‌گذاران درونی نشده است. بسیار از مسئولان هنوز به جایگاه و نقش آموزش و پرورش در توسعه آگاهی ندارند. باید زمینه‌های مشارکت مردم در امور اجتماعی، فرهنگی و سیاسی به صورت مشترک فراهم شود. خود نهاد آموزش و پرورش در این زمینه نقش بسیار اساسی دارد و نیز رشد دموکراسی و تدوین قوانین و مقررات در سطح کلان می‌تواند کارآمد باشد.

۲-۳) کاستی‌های ناشی از عوامل اقتصادی

یکی از عوامل مؤثر دیگر مشارکت مردم در آموزش و پرورش به مسائل اقتصادی کشور و وضع درآمد مردم و توزیع عادلانه آن بستگی دارد. این مسئله با عدالت اجتماعی و نقش قانون‌گذاری در این خصوص وابسته است. شرکت کردن یا نکردن مردم در امور آموزش و پرورش به سیاست‌های کلان اقتصادی کشور و نحوه توزیع سرمایه و درآمد مردم بستگی دارد (قاسمی‌پویا، ۱۳۸۰؛ سگالین، ۱۳۷۰). مسائل اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی هر جامعه به‌خصوص در دهه‌های اخیر، بستگی به برنامه‌ریزی‌های کلان و خرد دولت‌ها در قبال جامعه دارد. فراهم ساختن زمینه‌های مشارکت به‌خصوص در آموزش و پرورش از جمله وظایف

دولت است. مشارکت تنها به مرم وابسته نیست بلکه دولت‌ها وظیفه دارند زمینه‌های مشارکت را ایجاد و آنها را تقویت کنند و بسترهای آنها را فراهم آورند. ضروری است اعتماد مردم در زمینه مشارکت‌های اجتماعی و فرهنگی جلب شود. برای مشارکت، دولت باید به طور مناسب برنامه‌ریزی و سازمان‌دهی کند. دولت باید فرصت‌های لازم را برای مردم و دوری جستن از خصوصی‌سازی آموزش و پرورش فراهم کند. دولت باید در جهت ایجاد عدالت اجتماعی و حل مشکلات اقتصادی برنامه‌ریزی کند تا مشارکت مردم تقویت شود (هلک، ۱۳۷۱). دولت باید ساختارهای اجتماعی و اداری را به تدریج متحول کند. نقش شوراها را تقویت کند و منابع مالی مناسب به آموزش و پرورش اختصاص دهد. بسترسازی فرهنگی برای مشارکت فراهم کند و نسبت به اصلاح قوانین و مقررات تلاش کند. نقش نظارتی دولت در تقویت مشارکت‌ها بسیار مهم است. همان‌طور که جدول ۳ نشان می‌دهد، خیران ۱۹ راهکار را برای از میان برداشتن موانع و تسهیل مشارکت مردم در مدرسه‌سازی مطرح کرده‌اند که به ترتیب اولویت ارائه شده است.

بحث و نتیجه‌گیری

بدون همکاری جامعه، خانواده، و آموزش و پرورش که نهادهای مهم اجتماعی هستند، مشارکت به سرانجام نمی‌رسد. گسترش مشارکت مردم در امور آموزش و پرورش نیازمند این است که زمینه و بستر لازم برای آن در سه نهاد مذکور فراهم شود. فراهم آوردن عدالت اجتماعی، برنامه‌ریزی غیرمتمرکز، رفع تبعیض‌ها در این مورد ایفای نقش می‌کنند. بنابراین، شایسته است زمینه‌های فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی مشارکت از جنبه‌های مختلف فراهم آید.

با توجه به پیچیده بودن جامعه امروزی، دیگر نمی‌توان به مشارکت خودجوشدل بست. برای تحقق مشارکت‌ها ضرورت دارد سازمان و تشکیلات و آیین‌نامه و مقررات ویژه پیش‌بینی شود و همه مشارکت‌ها بر مبنای اصول و قوانین صورت پذیرد. دولت‌ها نقش اساسی در هدایت مشارکت مردم و سازمان‌دهی آن دارند. آموزش و پرورش باید تلاش کند کیفیت آموزش را تقویت کند تا اعتماد خانواده را به آموزش و پرورش و مشارکت آنها جلب کند. معلمان و مدیران از عناصر مؤثر در جلب مشارکت هستند. توفیق آموزش و پرورش در جلب مشارکت مردم تا حدودی در گرو بهبود وضع دانش و بینش و نحوه زندگی معلمان است. تحول در برنامه‌های آموزشی، توجه به برنامه‌های مشارکتی دانش‌آموزان و سازمان‌دهی و آموزش آنها در خصوص مشارکت بسیار اهمیت دارد.

در جهان امروز، مشارکت در آموزش و پرورش از پایه‌های مهم توسعه است. مشارکت ویژه دوره‌های بحرانی کشور و دستگاه آموزش و پرورش نیست، بلکه برای تحقق بخشیدن به بهبود آموزش و پرورش نوباوگان کشور، مشارکت گروه‌های اجتماعی گوناگون همواره لازم و ضروری است. مشارکت در حکم یک پدیده اجتماعی در مکاتب متفاوت فکری نظریه‌پردازی شده است. انطباق سطح نظری و عملی در ایده‌های اجتماعی از جمله مشارکت، نیازمند پژوهش‌های فراگیر در جامعه مورد نظر است. این پژوهش با هدف فوق انجام شده است تا مسئولان آموزش و پرورش بتوانند به جلب سازمان‌یافته و فعال مشارکت‌های مردمی به‌ویژه در مدرسه‌سازی بپردازند.

جلب مشارکت فعال مردم در امر خطیر آموزش و پرورش از ابعاد گوناگون دارای اهمیت است. این امر علاوه بر داشتن عواید مالی، همدلی و همراهی مردم را با اهداف و برنامه‌های آموزش و پرورش به ارمغان می‌آورد و زمینه‌های پذیرش تغییرات را در مردم به وجود می‌آورد. این امر با فرهنگ‌سازی و آگاه کردن مردم از اهمیت و ضرورت مشارکت

آنها در امر آموزش و پرورش امکان‌پذیر است. همان‌طور که پاسخ‌دهندگان در این تحقیق اشاره کرده‌اند، فرهنگ‌سازی و آگاه کردن مردم از طریقه‌عامل درون نظام آموزشی و عوامل برون از نظام آموزشی در جلب مشارکت مردم اهمیت ویژه دارد. برای فراهم کردن شرایط مناسب در زمینه توسعه فرهنگ مشارکت و آگاه‌سازی مردم در سطوح گوناگون دولتی و غیردولتی باید آموزش‌های لازم داده شود. آموزش باید محور اساسی این تلاش‌ها باشد. آموزش اندیشه مشارکتی و ضرورت آن باید همواره در سطوح گوناگون انجام گیرد. در حال حاضر، کاستی‌هایی در این زمینه وجود دارد، یعنی برنامه‌های آموزش و پرورش از نظر جلب مشارکت فعال مردم دارای مشکلاتی است. همان‌طور که از اسناد و مدارک و پاسخ‌دهندگان در این تحقیق برمی‌آید، مسئولان آموزش و پرورش تاکنون در این زمینه برنامه‌های مدونی نداشته‌اند و میان آنها و افراد مشارکت‌جو هماهنگی لازم ایجاد نشده است.

بیشتر پاسخ‌دهندگان تأکید کرده‌اند که سازمان‌های گوناگون و مسئولان، اعم از آموزش و پرورش و سایر مؤسسات با افراد مستعد مشارکت همکاری‌های لازم را به عمل نمی‌آورند. از سویی، تبلیغات و اطلاع‌رسانی و فرهنگ‌سازی نسبت به جلب مشارکت‌های مردمی در آموزش و پرورش به طور جدی وجود ندارد. میان مسئولان برای جلب مشارکت‌ها وحدت روش وجود ندارد و گردش کار اداری و تشریفات زاید و وقت‌گیر مانع از انسجام بخشیدن به مشارکت است. همچنین اشاره کرده‌اند، آموزش و پرورش دارای برنامه‌ای برای تنظیم مشارکت‌های مردمی نیست و تشکیلات درستی را تعریف نکرده است، و نیز دولت‌ها رسالت‌ها و مسئولیت‌های خود را در این زمینه به طور کامل انجام نداده است.

این در حالی است که تغییر دادن ذهنیت و ایجاد نگرش در مدیران، برنامه‌ریزان، تصمیم‌سازان و مردم نسبت به آموزش و پرورش و مشارکت در آن، تغییر دادن ذهنیت معلمان، مدیران، دانش‌آموزان مدارس و کلیه عوامل داخل و خارج از آموزش و پرورش همه و همه مستلزم داشتن برنامه‌های متعدد کوتاه‌مدت و درازمدت است. نکته دیگر اصلاح و تقویت راه‌های فعلی مشارکت است. در شرایط موجود انجمن اولیا و مربیان، شوراهای آموزش و پرورش، شوراهای معلمان، سازمان‌های دانش‌آموزی مجمع خیرین مدرسه‌ساز، امور وقف و دیگر تشکل‌های مشارکتی وجود دارند که در آنها کاستی‌هایی ملاحظه می‌شود و ضرورت دارد که این کاستی‌ها برطرف شوند. راه‌های تأمین منابع مالی اصلاح و تقویت شوند تا با رفع کاستی‌های فعلی بتوان بخشی عظیم از نیازهای مالی آموزش و پرورش را برطرف کرد.

پاسخ‌دهندگان راه‌های گوناگونی را برای جلب مشارکت‌های مردم معرفی کرده‌اند؛ از جمله آنها می‌توان به، تشویق خیرین، از میان برداشتن فاصله میان مردم و مسئولان آموزش و پرورش، ایجاد تعاونی‌های مدرسه‌سازی، برپایی همایش، جلب فتوای مراجع تقلید، توجه به مشارکت‌های مادی اندک، اختصاص دادن بخشی از دیون شرعی مردم به مدرسه‌سازی، سازمان‌دهی مشارکت، جلب نیکوکاران ایرانی خارج از کشور، معرفی جایگاه تعلیم و تربیت و نقش آن در توسعه جامعه، تقویت روحیه وقف و همچنین تعامل مستمر با خیرین مدرسه‌ساز اشاره کرد. لازم است برای هر یک از روش‌های مذکور مطالعات و کارشناسی لازم به عمل آید و در واقع الگوی مطلوب برای گسترش مشارکت‌های مردمی در آموزش و پرورش تهیه و تنظیم شود، که جلب مشارکت مردم و تقویت انگیزه آنها برای این امر مستلزم دست یافتن به اطلاعات لازم در زمینه نگرش مردم و انگیزه آنها برای مشارکت است.

از بررسی مفهوم و ویژگی‌های مشارکت می‌توان نتیجه گرفت مشارکت را نباید محدود به سهیم شدن در تأمین منابع مالی مورد نیاز تلقی کرد، هرچند که نیازهای مالی از اساسی‌ترین مشکلات آموزش و پرورش باشد. در واقع بی‌توجهی به مفهوم و جوانب و ویژگی‌های مشارکت عوارضی را در پی خواهد داشت. امروز وظایف دولت‌ها در گسترش آموزش و پرورش بسیار سنگین و گسترده است. حل مشکلات و کاستی‌ها در آموزش و پرورش به بسیج مردمی نیاز دارد، اما این کار بدون برنامه‌ریزی ممکن نیست. مشارکت را باید سازمان‌یافته و قانونمند پیش برد. هماهنگی نهادهای گوناگون، وضع قوانین و مقررات برای گسترش مشارکت، آگاه‌سازی مسئولان و مدیران و معلمان، تبلیغ و گسترش مشارکت به روش‌های گوناگون، فراهم ساختن زمینه‌های قانونی و اجتماعی و آماده کردن بسترهای لازم برای تبادل افکار و نقد و تحلیل برنامه‌ها، از جمله وظایف دولت در زمینه توسعه مشارکت است. جلب اعتماد مردم و برقراری ارتباط نزدیک با قشرهای گوناگون اجتماعی و توجه به خواسته‌ها و نظرهای آنان سنگ بنای مشارکت مردم در امور آموزش و پرورش است. برای تحقق بخشیدن به مشارکت ضرورت دارد که برنامه‌های آموزشی خاص تدارک دیده شود. باید جامعه به‌ویژه نهادهای مؤثر در مشارکت، مانند خانواده‌ها، مدیران، معلمان، کارکنان، دانش‌آموزان و کلیه افراد مفید در امور آموزش و پرورش مفید توجیه شوند و به آنها آگاهی و آموزش‌های لازم داده شود. در این زمینه می‌توان از رسانه‌ها و گردهم‌آیی‌ها، محتوای کتاب‌های درسی و ... برای بهبود بخشیدن به مشارکت و آموزش دادن به جامعه بهره جست.

گسترش مشارکت مردم در امور آموزش و پرورش نیازمند این است که زمینه مناسب برای آن فراهم شود. برقرار کردن عدالت اجتماعی، آزادی‌های مشروع، تدوین قوانین و مقررات و تأسیس تشکیلات مورد نیاز، آزادی تشکل‌های اجتماعی و فرهنگی، از میان

برداشتن مقررات دست و پاگیر، ایجاد شرایط ابراز اندیشه‌ها، افکار و تبادل نظر و ... از جمله این زمینه‌هاست. مشارکت امری فرهنگی و عاطفی است. بنابراین، برای جلب مردم به مشارکت در آموزش و پرورش، شایسته است به زمینه‌های فرهنگی و خرده‌فرهنگ‌ها و روان‌شناسی اجتماعی مردم در مناطق گوناگون کشور توجهی ویژه شود.

آگاه‌سازی مدیران، معلمان، دانش‌آموزان اهمیتی ویژه دارد. ترویج فرهنگ مشارکت به روش‌های گوناگون به منظور ایجاد تغییر نگرش بسیار حائز اهمیت است. با بحث در جلسات گوناگون می‌توان اهمیت و ضرورت مشارکت را توضیح داد. این امر مستلزم وجود مدیران آگاه و اندیشمند در مدارس است. تشویق و ترغیب مشارکت‌کنندگان سبب می‌شود که آنان رغبت بیشتری در امر مشارکت از خود نشان دهند. قدرشناسی و احترام‌گذاشتن و به‌کارگیری روش‌های برانگیختن برای تقویت کردن مشارکت امری ضروری است. آموزش و پرورش وظیفه دارد که با برنامه‌ریزی برای نهادینه کردن مشارکت، ایجاد انگیزه کند. ایفای نقش مؤثر در جلب مشارکت در درون آموزش و پرورش وابسته به عزم مدیریت، معلمان و دانش‌آموزان است. لازم است برنامه‌های آگاه‌سازی و آموزشی و روش‌های جذب مشارکت در این زمینه در دستور کار آموزش و پرورش قرار گیرد. توجه به مشارکت دانش‌آموزان و سازمان‌دهی و آموزش آنان بسیار مهم و مفید است. دیدگاه و نگرش مسئولان آموزش و پرورش و دولت‌مردان نسبت به مفهوم مشارکت و روش‌های آن و چگونگی جذب مردم موضوعی است که باید مد نظر قرار گیرد. هنوز میان مردم و نهادهای آموزش و پرورش فاصله بسیار است و ارتباط و اعتماد لازم تقویت نشده است. ضرورت دارد در بسیاری از نگرش‌ها نسبت به مشارکت و نقش مردم به معنی واقعی تحول حاصل شود.

جدول ۳. راه‌های رفع موانع و کاستی‌های مشارکت

ردیف	پاسخ مخاطبان	فراوانی	درصد
۱	تبلیغات و اطلاع‌رسانی در مورد وضعیت مدارس و میزان نیاز به فضای آموزشی	۴۶	۱۷/۵۰
۲	تشویق خیران و معرفی آنها در مجامع گوناگون به عنوان الگو برای جلب مشارکت	۴۰	۱۵/۲۱
۳	از بین بردن شکاف میان مردم و مسئولان آموزش و پرورش	۲۴	۹/۱۳
۴	ایجاد تعاونی‌های مدرسه‌سازان و توسعه تشکیلات خیران با همکاری آنها	۲۰	۷/۶۱
۵	برپایی همایش‌های خیران مدرسه‌ساز در سطح شهرستان‌ها، استان‌ها و کشور	۱۷	۶/۴۷
۶	صدور فتوا از سوی مراجع تقلید جهت مدرسه‌سازی و جلب مشارکت‌های مردمی	۱۵	۵/۷۱
۷	آموزش و فرهنگ‌سازی در باره ضرورت و اهمیت مشارکت	۱۲	۴/۵۷
۸	جذب مشارکت‌های اندک مردمی به روش‌های سازمان یافته	۱۱	۴/۱۹
۹	حذف تشریفات اداری زاید و دست و پاگیر از مسیر مشارکت	۱۰	۳/۸۱
۱۰	اختصاص دادن بخشی از دیون شرعی مردم به آموزش و پرورش	۱۰	۳/۸۱
۱۱	تخصیص قسمتی از سود کارخانجات برای مشارکت در آموزش و پرورش	۹	۳/۴۳
۱۲	سازمان‌دهی مشارکت در آموزش و پرورش	۸	۳/۰۳
۱۳	توسعه فرهنگ مشارکت و ارائه آموزش‌های لازم در این زمینه	۸	۳/۰۳
۱۴	تقویت مجامع خیران استان‌ها به‌ویژه مجمع خیران بانوان مدرسه‌ساز	۷	۲/۶۷
۱۵	جلب و جذب کمک‌های سازمان‌های نیکوکار بین‌المللی و جهت دادن به آنها برای همکاری با آموزش و پرورش کشور	۷	۲/۶۷
۱۶	جلب و جذب مشارکت‌های ایرانیان خارج از کشور	۶	۲/۲۹
۱۷	احیای ارزش و منزلت نهاد تعلیم و تربیت در جامعه و معرفی جایگاه آن در کشور	۵	۱/۹۱
۱۸	تقویت روحیه وقف میان مردم به‌ویژه در آموزش و پرورش	۵	۱/۹۱
۱۹	برقراری رابطه مستمر با خیران و افراد مستعد به مشارکت و تعامل با آنها برای بهبود وضعیت مشارکت	۳	۱/۱۴
جمع		۲۶۳	۱۰۰

پیشنهادهای زیر برای دست‌اندرکاران در راستای کاستی‌های مشارکت در آموزش و پرورش ارائه می‌شود:

۱. دیدگاه مسؤلان آموزش و پرورش و خارج از این دستگاه عظیم نسبت به مفهوم مشارکت و جنبه‌های آن متفاوت و گاهی در تضاد با یکدیگر هستند. باید برای این کار برنامه‌ریزی شود تا به تقرب دیدگاه‌ها منجر شود.
۲. از تجارب مشارکت و فرهنگ دیرینه آن در طول تاریخ ایران استفاده شود و بنیادهای فرهنگ مشارکتی شناسایی، تقویت و مورد حمایت قرار گیرند.
۳. دولت باید از راه‌های مناسب از جمله دریافت مالیات و سایر منابع نسبت به تأمین منابع مالی آموزش و پرورش حمایت لازم را به عمل آورد.
۴. تشکل‌های مردمی نظیر تشکل خیران مدرسه‌ساز مورد توجه قرار گیرد و راه‌های توسعه و جلب مشارکت‌ها بیشتر فراهم شود.
۵. از نتایج پژوهش‌ها مشخص شد معلمان، مدیران و اولیا همکاری چندان مهمی در توسعه مشارکت ندارند. ضروری است زمینه‌های فعالیت این عناصر مهم فراهم آید.
۶. استفاده از تجربه‌های مشارکتی سایر کشورها برای پیشبرد تفکر و برنامه‌های مشارکتی در آموزش و پرورش مؤثر خواهد بود.
۷. وجود ساختار منعطف در مشارکت مؤثر است. ضرورت دارد در ساختار آموزش و پرورش تجدید نظر به عمل آید و حرکت به سوی تمرکززدایی با جدیت بیشتر مدنظر قرار گیرد.
۸. دولت با همکاری آموزش و پرورش برای آگاه‌سازی جامعه باید برنامه‌ریزی کند. نقش رسانه‌ها در این زمینه بسیار بااهمیت است.

۹. مشارکت به تقویت برنامه‌های فرهنگی و اجتماعی در سطح کلان نیازمند است. دولت باید در این جهت اقدامات بایسته‌ای انجام دهد.
۱۰. توزیع عادلانه ثروت ملی و بهبود شرایط اقتصادی خانواده در مشارکت مردمی و آموزش و پرورش مؤثر است، ضروری است دولت در این خصوص برنامه‌ریزی‌های اصولی را به‌عمل آورد.

منابع

- ایمان، محمدتقی (۱۳۸۰). ارزیابی تشکیلات مشارکت‌های مردم، تهران: انتشارات سازمان برنامه و بودجه استان تهران: ۱۵۷-۱۵۱
- بخشی، علی (۱۳۷۵). نقش مشارکت‌های مردم در آموزش و پرورش استان مرکزی، فصلنامه تعلیم و تربیت، انتشارات وزارت آموزش و پرورش: ۱۳۴-۱۴۴.
- پرویزیان، محمدعلی (۱۳۸۰) مطالعه شیوه‌های مؤثر مشارکت‌های مردمی در آموزش و پرورش، انتشارات شورای تحقیقات سازمان آموزش و پرورش استان مرکزی: ۸-۱۵.
- تاج‌بخش، علی (۱۳۷۴). نقش اولیا در مدارس با تأکید بر دوره ابتدایی، مجله پیوند شماره ۴۲: ۱۱ - ۱۶. *روشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی*
- تقواطلب، میرایوب (۱۳۷۴). بررسی چگونگی توسعه فرهنگ مشارکت‌های مردمی، انتشارات شورای تحقیقات منطقه یک کشوری.
- جهانگرد، یدالله (۱۳۷۱). آشنایی با انجمن اولیا و مربیان. دفتر مرکزی انجمن اولیا و مربیان.

- چهاردولی، علی نعمت (۱۳۷۸). بررسی راه‌های جلب مشارکت‌های مردمی در آ.پ.، همدان: انتشارات سازمان آموزش و پرورش: ۱۰۹-۱۲۷.
- خرم‌ورز، عباس (۱۳۷۹). بررسی میزان مشارکت دبیران متوسطه شهر اصفهان در امور آموزشگاه.
- درّین و گورانی، حسین (۱۳۶۹). مفهوم مشارکت، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه امام صادق (ع).
- دفتر آموزش متوسطه وزارت آموزش و پرورش (۱۳۸۰). بررسی ویژگی‌های کیفی مدیران واحدهای آموزش متوسطه نظری سراسر کشور: ۲۳-۴۰.
- رضایی، منیره (۱۳۸۱). مبانی نظری اصلاحات در آموزش و پرورش و سازمان و مدیریت نیروی انسانی، مجموعه مقالات همایش ملی مهندسی اصلاحات در آموزش و پرورش، پژوهشکده تعلیم و تربیت، تهران.
- ساروخانی، باقر (۱۳۷۰). درآمدی بر دایره‌المعارف علوم اجتماعی، تهران: کیهان.
- ساکی، رضا و همکاران (۱۳۷۴). بررسی مسایل و مشکلات شیوه‌های موجود ارزشیابی از مدیران و معاونان، پژوهشکده تعلیم و تربیت، تهران.
- ساکی، رضا (۱۳۷۹). دشواری‌های ساختار و تشکیلات آموزش و پرورش، پژوهشنامه آموزشی، شماره ۱۵. پژوهشکده تعلیم و تربیت، تهران: ۹-۱۲.
- سبحانی، سعید (۱۳۷۲). آموزش و پرورش و توسعه، مجله فرهنگ توسعه، آذرودی ماه.
- سعیدی، محمد قاسم (۱۳۷۹). شناسایی موانع مشارکت دانش‌آموزان در مدیریت مدارس متوسطه استان مازندران.

- صافی، احمد (۱۳۷۹). بررسی سیر تاریخی و تکوین ساختار آموزش و پرورش ایران و مراجع تصویب آن، پژوهشکده تعلیم و تربیت، تهران: ۱۱۹-۱۲۵.
- طوسی، علی محمد (۱۳۷۹). مدیریت مشارکت‌جو، تهران: انتشارات مرکز مدیریت دولتی.
- فرهادی، مرتضی (۱۳۷۳). فرهنگ یاری‌گری در ایران (درآمدی به مردم‌شناسی و جامعه‌شناسی تعاون)، تهران: نشر دانشگاهی.
- قاسمی پویا، اقبال (۱۳۷۵). بینش علمی و پژوهشی و آموزشی در بهره‌وری، مجموعه مقالات، شیوه‌های عملی ارتقاء بهره‌وری نیروی انسانی، مرکز آموزش مدیریت آموزش.
- قاسمی پویا، اقبال (۱۳۷۸). راه‌های جلب مشارکت‌های مردم در آموزش و پرورش، پژوهشکده تعلیم و تربیت وزارت آموزش و پرورش.
- قاسمی پویا، اقبال (۱۳۸۰). مشارکت مردم در آموزش و پرورش، انتشارات پژوهشکده تعلیم و تربیت
- قدیانی، محمد (۱۳۸۶). نصیرالدین طوسی، گزیده اخلاق ناصری، چاپ سوم، تهران: ۸۵-۸۹.
- کارگزاری، زمان (۱۳۷۶). بررسی شیوه‌های مشارکت دانش‌آموزان و معلمان در امور خودگردانی مدارس.
- کسای، نورالله (۱۳۷۴). پیشینه ایرانیان در ایجاد و اداره نهادهای آموزشی. مجله وقف میراث جاویدان، صفحه ۴. ش ۱

- علاقه‌بندی، علی (۱۳۷۴). ویژگی‌های رفتاری مدیران بخش ازدیدمعلمان و والدین، دانش‌آموزان مدارس ابتدایی، مجموعه مقالات اولین سمینار مدیریت آموزشی، دانشگاه علامه طباطبایی.
- متین، نعمت‌اله (۱۳۸۲). راه‌های جلب مشارکت‌های خیرین در مدرسه‌سازی، پژوهشکده تعلیم و تربیت به سفارش سازمان نوسازی، توسعه و تجهیز مدارس کشور: ۱۷۴-۱۷۶.
- مقنی‌زاده، محمدحسین (۱۳۸۰). بررسی راه‌های افزایش مشارکت دانش‌آموزان در انجام فعالیت‌های پرورشی مدارس، معاونت پرورش وزارت آموزش و پرورش: ۱۴۸-۱۵۴.
- میرکمالی، سیدمحمد (۱۳۷۶). مشارکت در تصمیم‌گیری در امور آموزشی و همبستگی با آن با اثربخشی و کارایی، فصلنامه تعلیم و تربیت، شماره ۳
- نامی، شمسی (۱۳۷۳). بررسی رابطه میان مدیریت مشارکت‌جویانه و انگیزش گروه‌های غیررسمی در مراکز تربیت معلم دخترانه شهر تهران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهیدبهبشتی.
- هادی‌زاده، علی (۱۳۷۹). مشارکت دانش‌آموزان و جوانان در فعالیت‌های عمرانی، مجله فرهنگ مشارکت، شماره ۲، انتشارات آموزش و پرورش.
- هلك، ژاك (۱۳۷۱). سرمایه‌گذاری برای آینده آموزش و پرورش، ترجمه عبدالحسین نفیسی، انتشارات مدرسه، آموزش و پرورش.

- Barrett, G. V. & Franke R. H. (1971). *Psychological Motivation and the Economic Growth of Nations*. Rochester, NY: Management Research Center, University of Rochester (mimeo).

- Hofstede, G. (1980). *Culture's Consequences: International Differences in work Related Values*. Beverly Hill, Sage.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی